

اسلام در مالزی

فریده حشمتی دبیر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران

آشاره

«مالزی قاره‌ای» می‌گویند. بخش شرقی که در قسمت شمال جزیره‌ی بروننو واقع شده است و «مالزی جزیره‌ای» نام دارد [مسائلی، ۱۳۷۵: ۳]. جمعیت آن ۲۵ میلیون نفر است که ۶۰ درصد آن مسلمان و بقیه بودایی، هندو و مسیحی اند. زبان اصلی آن مالزیایی و پایتخت آن «کوالالمپور» است [بی‌آزار شیرازی، بی‌تا: ۹۸].

موقعیت مالزی به عنوان یک گذرگاه اصلی و مهم در آب‌های جنوب شرقی آسیا، باعث شده است که اقوام و نژادهای متفاوت از نقاط دیگر آسیا در این کشور جمع شوند [مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۲] و همواره مرکزی برای تجارت اقوام گوناگون باشد [مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۲۴۹]؛ به طوری که در نتیجه‌ی همین روابط تجاری تحت تأثیر فرهنگ‌ها و ادیان مختلف قرار گرفته است.

در اوایل قرن اول میلادی، با ایجاد تماس‌های مداوم تجاری با دنیای ماورای جنوب شرقی آسیا و به ویژه چین و شبه قاره‌ی هند، دوران تازه‌ای برای ساکنان مالزی شروع شد و هندوئیسم و بودیسم تأثیر زیادی در این منطقه به جا گذاشتند که به تدریج در یک دوره‌ی هزارساله، این تأثیر در زبان، ادبیات و آداب اجتماعی نمودار شد [مسائلی، ۱۳۷۵: ۱۷۶]. بدین ترتیب، دو تمدن بزرگ هندی و چینی در مالزی به هم آمیختند [نهر، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۱۳]. حضور دین بودا، به

یکی از مباحث مطرح در جهان اسلام، چگونگی گسترش این دین الهی در نقاط گوناگون جهان است. در بعضی مناطق، اسلام از طریق جنگ وارد شد، اما غالباً پذیرش اسلام، به علت پذیرش تعالیم الهی اسلام از سوی ملل مختلف و با خواست درونی آن‌ها صورت گرفت. یعنی در بعضی مناطق، اسلام بدون جهاد نفوذ پیدا کرد. از جمله‌ی این نواحی، جنوب شرقی آسیاست که پذیرش اسلام از طریق گروه‌های غیرنظامی و به خصوص تجار صورت گرفت. پرجمعیت‌ترین کشورهای مسلمان نیز متعلق به این نواحی است؛ از جمله کشور مالزی که امروزه یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای مسلمان است و اسلام در زندگی، سیاست و امور اجتماعی و اقتصاد امروز آن نقشی تعیین کننده دارد.

این مقاله به چگونگی حضور اسلام در مالزی پرداخته است.

آغاز ورود اسلام به مالزی

کشور مسلمان مالزی در منطقه‌ی استوایی جنوب شرقی آسیا، در شمال مجمع‌الجزایر اندونزی واقع شده است و از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل می‌شود. بخش غربی آن به شبه جزیره‌ی مالزی معروف است که ادامه‌ی خاک آسیا به طرف جنوب محسوب می‌شود و به آن

عنوان رایج ترین مذهب کشور مالزی، تا زمان ظهور و نفوذ اسلام ادامه یافت. اما ظهور پرتوهای درخشان مذهب اسلام موجب شد، دین بودیسم جای خود را به آن بسپارد و اکثر قریب به اتفاق نژاد ماله که نژاد اصلی این سرزمین را تشکیل می دهد، به دین اسلام گرویدند [تاریخ گسترش اسلام، ص ۲۷۱].

بر خلاف این تفکر که اسلام با شمشیر به سرزمین های دیگر راه یافته است، در جنوب شرقی آسیا مردم، خود به اسلام گرویده اند [المهدی، بی تا: ۴۸]. البته با توجه به رواج اعتقادات هندوئیسم و بودیسم در این منطقه، روند پیشرفت اسلام نسبتاً به کندی صورت گرفت [آرنولد، ۱۳۵۸: ۲۷۱]، اما از عمق بیشتری برخوردار شد و توانست به تدریج مذاهب بودایی و هندو را تحت شعاع قرار دهد. مسیحیت هم با تلاش مبلغان مذهبی خود که همراه با استعمار در سال ۱۵۱۱ میلادی [نهر، ۱۳۶۱، ج ۱: ۵۲۰] وارد این کشور شد، نتوانست چندان جایی پیدا کند و پیروان این دین، هم از جهت کیفی و هم کمی، در اقلیت قرار گرفتند [محمدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۹۲].

ریشه ی ارتباط اعراب با این منطقه به مدت ها پیش از ظهور اسلام برمی گردد که در سراسر این جزایر کوچ نشین هایی داشتند. آن ها بازرگانان قابلی بودند و هر جا که بازرگانی و دادوستد رونق داشت، به آن جا می رفتند [نهر، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۷۸].

پس از ظهور اسلام نیز مسلمانان از جمله ایرانیان [مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۸۱] به قصد بازرگانی به این مناطق سفر می کردند و همین خود عاملی برای ترویج دین اسلام در منطقه و گرویدن بسیاری از بومیان به اسلام شد [همان، ص ۲۸۹]. به خصوص این که بازرگانان مسلمان برای این که بهتر دین خود را به کشور دیگری معرفی کنند، زبان و بسیاری از رسوم محلی و بومی را می پذیرفتند و فراموش می کردند، با زنان آن جا ازدواج می کردند [این بطوطه، ۱۳۴۸، ج ۲: ۶۷۰] و برای افزایش اهمیت و موقعیت خود، بردگان را خریداری کرده و با موفقیت با رؤسای که دارای مهم ترین مقام در بین مردم بودند، آمیزش کردند [آرنولد، ۱۳۵۸: ۲۶۷]. اقامت و حضور مسلمانان دریا نورد و بازرگان رفته رفته باعث نفوذ فرهنگ اسلامی در میان ساکنان این مناطق شد. برخی شواهد تاریخی، مثل الواح و سنگ نوشته ها، دلالت بر این امر دارند که شاید قدیمی ترین آن ها، سنگ قبری متعلق به زنی مسلمان باشد که در قرن ۱۱ میلادی (پنجم هجری) وفات یافته است. به تدریج خود مردم بومی مالزی به دین اسلام گرویدند و مروج اسلام در منطقه شدند [همان، ۲۸۷] و مناطق مسلمان نشین بسیاری در این نواحی پدیدار شدند. از میان آن ها می توان به حکومت سلطنتی مالاکا اشاره کرد که در سال ۱۴۰۲ م در ایالت مالاکا تشکیل شد و به زودی نفوذ زیادی پیدا کرد. بنیانگذار این سلطنت به دین اسلام گروید و نام خود را محمد اسکندر شاه گذاشت و دین اسلام را در قلمروی خود ترویج کرد. جانشین اسکندر شاه به نام مظفر شاه، به کمک مسلمانان پس از فرونشاندن اعتشاشانی که پیش آمده بود، توانست تمام شبه جزیره ی مالایا و قسمتی از سوماترا را تسخیر کند. این دوره از تاریخ

مالزی به عصر طلایی مالایا مشهور است. با سقوط مالاکا، سلطان برونئی وظیفه ی گسترش اسلام را در منطقه به عهده گرفت [مسائلی، ۱۳۷۵: ۴۴].

بدین ترتیب، اسلام در طول ۵۰۰ سال گذشته، قسمت مهم فرهنگ مالایو را تشکیل می داده است. ولی به هر حال با سنت های پیش از اسلام و نیز اعتقادات سنتی، شامل مفاهیم سیاسی هندو، گنیه خورده است [همان، ص ۴۲]. سرانجام در سال ۱۹۵۷ م، به همت مردم و پیگیری های تنکو عبدالرحمان، مالایا به یک فدراسیون مستقل تبدیل شد [محمدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۱۸].

اسلام گرایی در دوره ی معاصر

آغاز اسلام گرایی مالزی در دوره ی معاصر، به اوایل دهه ی ۷۰ برمی گردد. علاوه بر نکات مشترکی که این پدیده در دیگر کشورهای اسلامی دارد، در مالزی به وجود آمدن اسلام گرایی و پیشرفت آن، به عوامل دیگری بستگی دارد که خاص این کشور است [روزنامه ی اطلاعات، ۱۳۷۳].

در سال ۱۹۶۹ م، کشور مالزی دچار بحران سیاسی داخلی شد که خطرناک تر از بحران زمان استقلال این کشور محسوب می شد. عامل اصلی بحران، وضعیت آن هادر برابر چینی ها بود.

روبه روز سطح پیشرفت اجتماعی و اقتصادی آن ها از سطح چینی ها عقب تر می افتاد و چینی ها تمام عرصه های سیاسی و فرهنگی را از آن خود کرده بودند. از این سال به بعد، رهبران کشور تدابیری اتخاذ کردند تا زمینه های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و قانون گذاری به گونه ای باشد که پیشرفت اجتماعی، پیشرفتی همه جانبه باشد. از جمله ی این تدابیر، سیاست اقتصادی جدیدی بود که در سال ۱۹۷۱ به مدت ۲۰ سال اتخاذ شد. هدف از این سیاست اقتصادی، برقراری عدالت بود.

در آغاز سیاست اقتصادی جدید مالزی، بسیاری از مالزیایی ها به شهرها سرازیر شدند و تعداد قابل توجهی از آن ها، به مؤسسه های تولیدی و مؤسسات آموزش عالی رفتند. اگرچه آن ها از محیط بومی خود دور شدند، با این حال اسلام برای آن ها به پشتیبان اصلی برای زندگی و بقا در محیط جدید تبدیل شد. بنابراین، نقش اسلام در آگاهی مردمی در بحران ۱۹۶۹ بسیار زیاد بود.

از سوی دیگر، بسیاری از دانشجویان که در چارچوب سیاست نوین اقتصادی برای تحصیل به خارج می رفتند و با مردم خاور دور و دیگر کشورهای اسلامی معاشرت می کردند، خود را با اسلام تازه ای رو به رو می دیدند که فراتر از اصول اولیه ی اسلام بود؛ اسلامی که بسیاری از مسائل حیاتی و مهم را برای آن ها حل می کرد و به نیازهایشان پاسخ می داد. آن ها به این باور جدید

رسیدند که امت جهانی اسلام، باید به وحدت برسد و همچنین، وحدت، آن‌ها را از عقب ماندگی اجتماعی نجات می‌دهد. بنابراین، هنگام بازگشت به وطن، پایه‌های اصلی اسلام گزایی را در کشور خود پی‌ریزی می‌کردند. به این ترتیب، دانشگاه‌های مالزی و سایر مؤسسات آموزشی آن به مراکزی برای نشر این گونه اندیشه‌ها تبدیل شدند و جریانی به اسم «آفا» پدید آمد.

اما گروهی که نفوذ وسیعی پیدا کرده و در عین حال معتدل و با کفایت است، گروه «اتحاد جوانان اسلامی در مالزی» است که در سال ۱۹۷۰م تأسیس شد و اعضای آن به ۳۵ هزار نفر می‌رسد. این گروه اعلام کرده که هدفش ایجاد حرکت اسلامی است تا به شکوفایی اسلام در مالزی منجر شود. برخلاف دیگر گروه‌های مشابه، این گروه سعی در رفع عقب ماندگی مسلمانان دارد و می‌خواهد آنان را با دستاوردهای تمدن معاصر آشنا سازد.

در طرف مقابل این گروه، اصولگرایان هستند که افکارشان رنگ و بوی صوفیانه دارد و به نام‌های «دارالاکرام» و «جماعت تبلیغ» شناخته شده‌اند. گروه اول متشکل از مردم ده‌روستا هستند که می‌خواهند، الگویی یک شیوهی ساختار اجتماعی در دولت اسلامی آینده باشند و از نعمت‌های تمدن معاصر دست شسته‌اند [پیشین]. آن‌ها می‌گویند، سنت‌های اسلامی را کاملاً رعایت کنند [مسائلی، ۱۳۷۵: ۴۵].

اما سیاست کلی دولت مالزی در زمینه‌ی مسائل فرهنگی بر این پیش‌فرض مبتنی است که اسلام دینی اعتدال‌گرا و همساز با روح مردم مالزی است. همچنین، برخی از ارزش‌های اسلامی مثل اخوت اسلامی و مدارا کردن با غیرمسلمانان، صداقت و درستکاری، نظم و هماهنگی، پاکیزگی و احترام به سالمندان را ارزش‌هایی جهانی تلقی می‌کند و اشاعه‌ی آن‌ها را در جامعه، به نفع همه‌ی مردم حتی غیرمسلمانان می‌داند. از این رو، دولت مالزی با برداشت‌های افراطی از اسلام مخالف است و شیوه‌های مبتنی بر تندروی برخی از جریان‌های اسلامی را ناهمساز با اصول دموکراتیک حاکم بر اسلام می‌داند. [همان، ص ۶۳].

حکومت مالزی

حکومت مالزی، فدراسیون سلطنتی است و پادشاه توسط مجلسی متشکل از حاکمان ایالات و برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود [محمّدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۰۱]. پادشاه برابر قوانین مالزی باید مسلمان باشد و به محافظت و نگهداری از دین اسلام تحلیف به‌جای آورد. وی رئیس مذهبی کشور نیز قلمداد می‌شود. مرکز اسلامی کشور تحت نظر و اداره‌ی اوست و ائمه‌ی جمعه و جماعات برجسته از سوی او منصوب می‌شوند. پادشاه، هم قانوناً و هم در نگاه اجتماعی و فرهنگی این کشور، نقشی غیرسیاسی و به دور از احزاب و گروه‌ها دارد [همان، ۱۷۶].

نخست‌وزیر و حاکمان ایالات مالزی نیز باید مسلمان باشند، ولی اعضای کابینه می‌توانند از میان پیروان سایر ادیان انتخاب شوند. در عین حال، حاکمان ایالات در مناطق حدود حکم رهبر مذهبی را دارند [مسائلی، ۱۳۷۵: ۴۷].

تفکر عام مسلمانان مالزی می‌گویند، حکومت و پادشاه، و سران و مسئولین آن‌ها، مسلمان و معتقد به مبانی و اصول اسلام و حامی دین آنان هستند. برای آن‌ها به سادگی پذیرفتنی است که وقتی اقلیتی از جمعیت کشور غیرمسلمان و بودیست، هندوئیست، تائویست، و یا پیرو آیین‌ها و ادیان و مراسم دیگری هستند، مظاهر فرهنگی و اجتماعی سایر ادیان در کشورشان جلوه‌گر باشد [محمّدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۰۱].

هنگامی که رهبران مالزی با حرکت اسلامی مردمی در سال ۱۹۷۰ مواجه شدند، کوشیدند ابتکار عمل را به دست گیرند و تدابیری اتخاذ کنند تا هدف‌های آن‌ها در راستای اسلام باشد [روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۳]. به‌طور کلی، حکومت مالزی خواهان ایجاد هماهنگی در امور مذهبی جامعه و اعمال کنترل بر فعالیت‌های پیروان مذاهب گوناگون (مخصوصاً مسلمانان) برای رسیدن به جامعه‌ای متعادل و با ثبات است. به این منظور، سازمان‌ها و ارگان‌های رسمی خاصی نظیر «شورای امور اسلامی» و «کمیته‌ی فترا» ایجاد شده‌اند که وظیفه‌ی اصلی آن‌ها، کنترل فعالیت‌ها و امور اسلامی، و هماهنگ کردن آن‌ها با هدف‌های حکومت است. و به نظر می‌رسد که در یکی دو دهه‌ی اخیر، سو به‌طور ملموس‌تر از زمان نخست‌وزیری آقای ماهاتیر محمد، آیین و احکام عملی و اجتماعی اسلام بیش از پیش به زندگی مردم راه یافته است. گرایش به اسلام متعهد، اجتماعی و روشنفکرانه‌ی این نخست‌وزیر، به نسبت همتهای سلف خویش بیشتر است [محمّدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۰۰].

مسلمانان مالزی

قوم مالایو، بیش از نیمی از جمعیت مالزی را تشکیل می‌دهد و به لحاظ سیاسی، مهم‌ترین گروه کشور به حساب می‌آید. مالایوها زبان و فرهنگ مشترک دارند و قویاً به اسلام پایبندند. بنابراین اسلام ویژگی مهمی است که نژاد مالایو را از اقوام دیگر متمایز می‌سازد [مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۲]. پیوند تاریخی میان «مذهب اسلام» و «نژاد مالایو»، هویت اصلی فرهنگ مالایو را تشکیل می‌دهد. صیغه‌ی اسلامی این فرهنگ در مظاهر گوناگون آن متجلی است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: رعایت حجاب اسلامی توسط زنان مسلمان، اجرای احکام و رعایت سنن اسلامی در زندگی خصوصی افراد (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ) منزلت برجسته‌ی سادات، حجاج، روحانیون، معلمان مذهبی، و سرانجام اهمیت قرائت قرآن خصوصاً در ماه مبارک رمضان [همان، ص ۵۷]. اکثر مسلمانان مالزی پیرو مذهب شافعی هستند [آرنولد،

۱۳۵۸: ۲۶۷] شیعه نیز در میان آنان وجود دارد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گرایش و علاقه‌ی مردم به مذهب شیعه چنان افزایش یافت که تعدادی از جوانان مالزی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شدند و پس از فراگرفتن زبان فارسی، عربی و علوم اسلامی، به کشور خود بازگشتند و آثار حضرت امام (ره) و علامه طباطبائی و شهید مطهری و دیگران را به زبان مالزیایی ترجمه و منتشر کردند. جوانان آن چنان به شیعه روی آورده‌اند که در یکی از ایالات به اکثریت آرا دست یافته و قدرت را به دست گرفته‌اند [بی‌آزار شیرازی، بی تا: ۱۰۲]. در هر محله‌ای حتماً مسجدی وجود دارد که مردم نمازهای یومیه را در آن به جماعت برگزار می‌کنند. [المهدی، بی تا: ۴۹]. البته این موضوع ریشه در دوران گذشته دارد، به طوری که ابن بطوطه نیز در قرن هشتم هجری در سفرنامه‌ی خود به آن اشاره دارد [ابن بطوطه، ۱۳۲۸، ج ۲: ۶۶۶].

مراسم نماز عید فطر و جشن میلاد پیامبر اسلام (ص) نیز هر سال در مالزی با تشریفات خاص برگزار می‌شود. هم چنین، هر سال تعداد زیادی از مسلمانان این کشور در مراسم حج شرکت می‌کنند و مسابقات بین المللی قرآن نیز در ماه رمضان با شرکت قاریان کشورهای گوناگون در پایتخت این کشور، شهر کوالالامپور، برگزار می‌شود [مسئلی، ۱۳۷۵: ۲۸].

در مالزی، مدارس دینی ویژه‌ای وجود دارند که کودکان را از اوان کودکی با قرآن و قرائت آن آشنا می‌کنند. هر مالزیایی مسلمانی، با قرآن و مطالعه‌ی آن آشناست. آن‌ها در مدارس و نوعی مکتب خانه‌ها و حوزه‌های دینی، الفبای قرآنی و عربی را می‌آموزند [محممدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۲۵].

مسلمانی و مسلمان بودن در مالزی، همراه با نوعی احترام و افتخار است [همان، ص ۱۶]. به خصوص این که در دهه‌های اخیر، مسلمانان از نیروهای فعال در صحنه‌ی سیاسی کشور بوده‌اند و اکنون نیز حزب‌ها و جمعیت‌های اسلامی نقش مهمی در مسائل سیاسی و فرهنگی دارند و شخصیت‌های برجسته‌ای از روحانیون، روشنفکران و استادان دانشگاه را در خود جای می‌دهند [مسئلی، ۱۳۷۵: ۵۷].

اگرچه مالزی کشوری چندنژادی و چنددینی است، ولی آن‌ها حداقل در اثر تعالیم فرهنگی صحیح و مناسب، آموخته‌اند که در کنار یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنند و برای اختیار و آزادی دینی دیگران، همان قدر احترام و حرمت قائل شوند که برای مناسب خویش. آن‌ها به خصوص در دهه‌های اخیر دریافته‌اند که برای داشتن زندگی همراه با صلح و صفا، حتی با آنانی که به ایمان و اعتقاد ایشان بی‌ایمان و بی‌اعتقادند، ضریب تحمل پذیری فردی و دینی را تعالی دهند و بهمنتند که هر فعلی که از جانب دیگری سرزند مطابق فکر و میل دینی آن‌ها نیست، می‌تواند کفر و شرک و ارتداد نباشد [محممدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۱۰۱].

نکته‌ی دیگر در آن کشور، نفوذ فرهنگ و تمدن عربی در میان

مسلمانان مالزی است. شیوه‌ی تدریس، معماری مساجد، و بعضی از آداب و فرهنگ آن‌ها، از قبیل طرز نشستن و احوال پرسی، نشانگر نفوذ فرهنگ عربی در این منطقه است [حریزادی، ۱۳۷۳]. هم چنین، از آثار هنری باقی مانده از دوره‌ی اسلامی می‌توان به خطاطی اشاره کرد [مسئلی، ۱۳۷۵: ۶۲]. با یک دید کلی به این نکته می‌توانیم که کلیه‌ی ساختمان‌های قدیمی، از جمله بنای سلطان عبدالصمد، ایستگاه راه‌آهن، و اداره‌ی راه‌آهن، مخلوطی از هنر معماری اسلامی با معماری غیر اسلامی و تلفیقی از این دو است که زیبایی بناها را صدچندان کرده و نمایشگاهی از زیبایی در خیابان‌های کوالالامپور به وجود آورده است [کاشانی، ۱۳۷۳: ۳۱].

منابع

۱. مسائلی، محمود. مالزی، وزارت امور خارجه. تهران، ۱۳۷۵.
۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکرم. «دیناری از بزرگ‌ترین مسجد جهان در مالزی مسجد سلطان صلاح‌الدین عبدالعزیز در دارالاحسان مسجد». شماره‌ی ۱۹.
۳. مارکوپولو. سفرنامه‌ی مارکوپولو. ترجمه‌ی حبیب‌الله نجفی. نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.
۴. نهر، جواهر لعل. نگاهی به تاریخ جهان (ج ۱). ترجمه‌ی محمود تقصلی. امرکبیر، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۱.
۵. محممدی اصفهانی، محمدکاظم. در قلمرو زنده‌های سبز. انتشارات صیقل، ۱۳۷۰.
۶. المهدی، غلام. مالزی در یک نگاه. سروش، شماره‌ی ۷۳۳.
۷. اربول، سرتوباس. تاریخ گسترش اسلام. ترجمه‌ی دکتر ابوالفضل عربتی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۸.
۸. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، (ج ۲). ترجمه‌ی دکتر محمدعلی موجد. نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۲۸.
۹. شکوفایی اسلام در مالزی. برگرفته از نشریه‌ی آسیا و آفریقای امروز. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۲/۱/۲۵.
۱۰. حریزادی، محمد. مالزی و تقابل فرهنگ شرق و غرب (گزارشی از مشاهدات خبرنگاران کیهان به مالزی). کیهان، ۳۱/۲/۱۳۷۲.
۱۱. محمد کاشانی، محمد. در سرزمین آب و آفتاب. انتشارات شکوری، قم، ۱۳۷۲.

